

مناظره محمد بن عبدالوهاب با خدا

مناظره محمد بن عبدالوهاب با خدا

آنچه در اینجا می خوانید مناظره ای است فرضی میان خداوند متعال و محمد بن عبدالوهاب که سخنان خداوند از قرآن کریم اخذ و سخنان محمد بن عبدالوهاب از افکارش و افکار وهابیان امروز گرفته شده است.

آنچه در اینجا می خوانید مناظره ای است فرضی میان خداوند متعال و محمد بن عبدالوهاب که سخنان خداوند از قرآن کریم اخذ و سخنان محمد بن عبدالوهاب از افکارش و افکار وهابیان امروز گرفته شده است.

خداوند متعال:

و إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ (بقره /34)؛
هنگامی که به ملائکه گفتیم برای آدم سجده کنید ، همه سجده کردند جز ابلیس که امتناع کرد و تکبر ورزید و از کافرین بود.

محمد بن عبدالوهاب:

خدایا این شرک است که تو به ملائکه فرمان داده ای آدم را سجده کنند. چرا مردم را به سجده بر آدم وادار می کنی؟

خداوند متعال:

و رفع ابویه علی العرش و خروا له سُجْدًا و قال يا ابت هذا تأويل رویای من قبل قد جعلها ربی حقا (یوسف/100)؛

یوسف پدر و مادرش را بر تخت نشاند و برادران یوسف پیش او به سجده افتادند. یوسف گفت: ای پدر! این تأویل خواب من است که پیش از این دیده بودم و خداوند آن را محقق ساخت.

محمد بن عبدالوهاب:

خدایا چرا پیامبرت یعقوب و یوسف باید اجازه دهند که برادرانش پیش او سجده کنند. برادران یوسف مشرک شده اند و قتل شان واجب. یعقوب و یوسف باید آن ها را می کشتند.

خداوند متعال:

و إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنَا وَ اتَّخَذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى (بقره/125)؛

[به یاد بیاورید] هنگامی که ما کعبه را محل بازگشت مردم و محلی امن قرار دادیم. [برای تجدید خاطر] مقام ابراهیم را محل عبادت خود قرار دهید.

محمد بن عبدالوهاب:

خدایا چرا گفته ای مقام ابراهیم را محل عبادت خود قرار دهید. چرا مکان یک بشر را محل عبادت خود قرار می دهی؟ این شرک است. هیچ بشری به هیچ وجهی نباید دخلی در عبادت تو پیدا کند. چرا یک بیابان نامربوط به بشر را محل عبادت خود قرار ندادی که مقام ابراهیم را محل عبادت خود قرار دادی؟ این باعث می شود مردم یاد بگیرند و محل اولیای دیگری چون رسول خدا(ص) و علی (رض) و... را محل عبادت خود قرار دهند. این ها همه شرک است.

خداوند متعال:

فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمہ یسبح له فیها بالغدو و الاصال(نور/36)؛
خانه هایی که خداوند اذن داده که بالا برده شود و در آن ها اسم خداوند برده شود که برای او
صبح و شب تسبیح بگویند.

محمد بن عبدالوهاب:

خدایا! چرا تو اذن داده ای که خانه هایی محل عبادت قرار گیرند؟ در آن صورت مردم می آیند در
قبر رسول الله (ص) نماز می گذارند که این خانه رسول خدا بوده است. چون رسول الله در
تفسیر این آیه گفته این خانه ها خانه های پیامبر است و خانه های علی و فاطمه هم از افضل
ترین این خانه ها است. مردم می آیند در این خانه ها عبادت می کنند و مشغول نماز می
شوند. محل قبر علی و فاطمه را هم چون پیامبر گفته که خانه های آن ها هم از خانه های
مأذون است، محل عبادت قرار می دهند. این ها همه شرک است.

خداوند متعال:

ما من شفیع الا من بعد اذنه ذالکم الله ربکم فاعبدوه افلا تذکرون(یونس/3)؛
هیچ شفاعت کننده ای وجود ندارد مگر پس از اذن خداوند. این خدای شما است آن را پرستش
کنید. آیا به یاد نمی آورید؟.

خداوند متعال:

و کم من مَلک فی السماوات لاتغنی شفاعتہم شیئا الا من بعد أن یأذن الله لمن یشاء و یرضی
(نجم/26)؛

چه بسیارند فرشتگانی در آسمان که شفاعت شان هیچ سودی ندارد جز پس از آنکه خداوند
اذن بدهد برای کسانی بخواهد و راضی گردد.

خداوند متعال:

و لا ترفع الشفاعه عنده الا لمن اذن له (سبأ/23)؛

شفاعت سودی ندارد جز برای کسی که اذن داده شده باشد.

محمد بن عبدالوهاب:

خدا چرا استثنا کرده ای که جز برای کسیکه اذن شفاعت داده شود. باید بگویی به هیچ وجه
شفاعتی در کار نیست و هیچ کسی نمی تواند شفیع باشد. اینکه تو استثنا کرده ای سبب
می شود برخی از پیامبر و اولیایت بخواهند او را نزد تو شفاعت کنند. این شرک است که از غیر
خدا شفاعت بخواهی.

خداوند متعال:

قالوا یا ابانا استغفر لنا ذنوبنا انا کنا خاطئین (یوسف /97)

قال ساستغفر لکم ربی انه هو الغفور الرحیم (یوسف/98)؛

برادران یوسف گفتند: ای پدر برای گناهان ما از خدا طلب بخشش کن. یعقوب گفت: بزودی برای
شما طلب آمرزش می کنم از خدای خود که او بخشنده مهربان است.

محمد بن عبدالوهاب:

دیدم گفتم اگر اجازه بدهی مردم بلافاصله طلب شفاعت می کنند. این برادران یوسف پدر خود
را شفیع قرار دادند و از تو طلب آمرزش کردند. این شرک است.

خداوند متعال:

یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و ابتغوا الیه الوسیله و جاهدوا فی سبیلہ لعلکم تفلحون(مائده /35)؛
ای مومنان از خدا بترسید و بسوی او وسیله ای بجویید و در راه خدا کوشش کنید باشد که به
رستگاری برسید.

محمد بن عبدالوهاب:

خدایا! چرا امر کرده ای که مومنان به نزد تو وسیله بجویند. آنان باید مستقیماً نزد تو مراجعه کنند نه که نزد شفیعی رفته او را وسیله ای جهت تقرب به تو قرار دهند. این شرک است که مردم به غیر تو مراجعه کنند.

خداوند متعال:

اذهبوا بقمیصی هذا فألقوه علی وجه ابی یأت بصیرا وأتونی باهکم اجمعین(یوسف/93)
فلما أن جاء البشیر القاه علی وجهه فارتد بصیرا قال الم اقل لكم انی اعلم مالا تعلمون (یوسف/96)؛

یوسف گفت: این پیراهن مرا ببرید و آن را بر صورت پدرم بیاندازید تا بینا شود و تمام اهل خود را بیاورید. وقتی قاصد رسید پیراهن را به صورت یعقوب انداخت و یعقوب بینا شد. و یعقوب گفت مگر من نگفتم من چیزی می دانم که شما نمی دانید.

محمد بن عبدالوهاب:

خدایا! چرا این آیه را آورده ای. پیراهن که هیچ تأثیری ندارد. اینکه پیراهنی بتواند چشم نابینا را بینا کند نادرست است و این باعث خواهد شد مردم به ضریح پیامبر و اولیای تو چشم بمالند و از پیامبر و اولیا شفاطلب کنند چون فکر می کنند وقتی پیراهن یوسف بتواند چشم یعقوب را بینا کند، ضریح رسول خدا(ص) که افضل انبیاء است حتماً این کار را می تواند انجام دهد. درحالیکه درخواست شفا از غیر خدا شرک است و مشرک واجب القتل

خداوند متعال:

و کذالک اعثرنا علیهم لیعلموا أن وعد الله حق و ان الساعه لا ریب فیها إذ یتنازعون بینهم أمرهم فقالوا ابنوا علیهم بنیانا ربهم اعلم بهم. قال الذین غلبوا علی امرهم لنتخذن علیهم مسجدا(کهف/21)؛

و این چنین مردم را متوجه حال آن ها کردیم تا بدانند که وعده خداوند در مورد رستاخیز حق است. و در پایان جهان و قیام قیامت شکی نیست. در آن هنگام که میان خود نزاع داشتند؛ گروهی می گفتند: بنایی بر آنان بسازید(تا برای همیشه از نظر پنهان شوند و از آن ها سخن نگویند که) پروردگارشان از وضع آن ها آگاه تر است. ولی آن ها که از راز شان آگاهی یافتند (و آن را دلیلی بر رستاخیز دیدند) گفتند: مامسجدی در کنار مدفن آن ها می سازیم (تا خاطره آنان فراموش نشود).

محمد بن عبدالوهاب:

خدا یا چرا این داستان را نقل کردی. وقتی هم نقل کرده بودی باید آن را شدیداً رد می کردی. چرا از کنار بنای مسجد بر قبر بدون هیچ انکار و ردی گذشتی در حالیکه در آیه بعدی که مردمان بعداً در مورد تعداد اصحاب کهف اختلاف خواهند کرد، بدنبال نقل داستان فرموده ای: فلاتمار فیهم الا مرءاً ظاهراً؛ بدون دلیل در مورد آن ها حرف ننزید. اینجا کار جدال کنندگان را تقبیح کرده ای اما آن جا کار بناکنندگان مسجد را تقبیح نکرده ای. در حالیکه بنای مسجد بر قبر ها شرک است.

خداوند متعال:

ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریه (بینه /7)؛

کسانی که به خدا و رسولش ایمان آورده و اعمال صالح انجام می دهند، آن ها بهترین مخلوقاتند.

محمد بن عبدالوهاب:

خدا یا پیامبرت گفته: منظور از خیر البریه در این آیه علی و شیعیانش هستند. چرا تو این آیه را فرموده ای در حالیکه شیعیان کافر هستند و مشرک و آن ها واجب القتل هستند در حالیکه تو آن ها را بهترین مخلوقات دانسته ای.

